

کتاب ایوب

منظومهٔ آلام ایوب و محنتهای او از عهد عتیق

گزارش فارسی

قاسم هاشمی نژاد

با مقایسهٔ تطبیقی پنج متن کهن فارسی

هرمس



گزارش حاضر از متن انگلیسی، از ترجمه عصر جیمز، چاپ
انتشارات دانشگاه کمبریج، به فارسی برگردانده شده و
سپس با متن اصلی، عبری، مقابله گردیده است.



انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴
مجموعه ادب فکر - دین ۲

کتاب ایوب

گزارش فارسی قاسم هاشمی نژاد

طرح جلد: واحد گرافیک هرمس

چاپ سوم: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ: رسام

همه حقوق محفوظ است.

کتاب مقدس، عهد عتیق - ایوب - فارسی
کتاب ایوب: منظومه آلام ایوب و محتفای او از عهد عتیق با مقایسه
تطبیقی پنج متن کهن فارسی / گزارش فارسی قاسم هاشمی نژاد - تهران:
هرمس، ۱۳۹۵.

۲۳۶ ص. (مجموعه ادب فکر - دین: ۲)

فهرستویسی بر اساس اطلاعات فیبا کتاب.

چاپ سوم.

کتاب حاضر ترجمه از متن انگلیسی به فارسی می باشد و با متن اصلی
عبری، مقابله شده است.

۱. کتاب مقدس، عهد عتیق - ایوب - ترجمه ها. ۲. کتاب مقدس -
عهد عتیق ایوب - تقد و تفسیر. ۳. ایوب، پیامبر. الف. هاشمی نژاد، قاسم،
۱۳۱۹ - ب. عنوان. ج. عنوان: منظومه ایوب و محتفای
او از عهد عتیق.

ف۲۰۵/۲۲۳

BS ۳۱۵ / الف ۲۲۴

۸۴-۲۶۶۳۵

۱۳۹۰

فهرست

.....	حق‌گزاری
۱	پیشگفتار
۱۹	پی‌نوشت
۲۳	متن
۱۳۵	پی‌گفتار
۱۳۹	سورآبادی: حدیث محنت ایوب
۱۴۵	تفسیر کمبریج: جابه‌جایی دیدگاه
۱۵۰	قصص انبیاء: رویکرد به سراش خانگی
۱۵۳	کشف‌الاسرار: نقل واقعه
۱۶۰	ابوالفوح رازی: روایت پاکیزه‌تر

اصل متن قصه‌های قرآنی

۱۶۹	۱. قصص قرآن مجید سورآبادی
۱۶۹	حدیث محنت ایوب صلوات‌الله‌علیه
۱۷۵	۲. تفسیر قرآن مجید
۱۸۸	۳. قصص الانبیاء
۱۹۷	۴. کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار
۲۰۵	۵. روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن
۲۱۵	۶. تصویرهای انگیزنده کتاب ایوب

هو

پیشگفتار

در دین گوید که بدی را که اهریمن بر آفرینش هرمزد آورده

است به یک زمستان بنشاید گفت. ۱۱

فرنیغ دادگی، بئدهش

کتاب خوب، قاعدتاً، کتابی است که از درآمد و برآمد، و از پیشگفتار و پی‌گفتار عاری باشد و خواننده را از همان آغاز به وادی اصلی بکشاند، تا آنجا که پایان متن، پایان کتاب باشد و مقصد و مقصود هر دو به حاصل آید. اما کتاب حاضر از این ویژگی با از این امتیاز برخوردار نیست. به خواننده صبور پیشنهاد می‌شود که برای ورود به متن، از در پیشگفتار آن درآید و پس از سیر در متن نیز در پی‌گفتار آن هم‌گشت و گذاری بکند. درست است که ایوب شخصیت شناخته شده‌ای در میان فارسی‌زبانهاست و کمتر کسی، حتی میان آنها که خواندن و نوشتن نمی‌دانند، می‌توان یافت که با نام و سرگذشت او آشنا نباشند یا دست‌کم مثل «صبر ایوب» به گوششان نخورده باشد؛ اما کتاب حاضر از این شهرگی شخصیتش سود چندانی نمی‌برد، بعکس، آن را دست و پاگیر هم می‌یابد. صاحب این قلم، این راه در مقام شاعر و نه در مقام منتقد ادبی یا حتی داستان‌نویس، مجبور است نقش دوگانه‌ای بازی کند و همه چیز را از سر نو توضیح دهد - اهمیت ادبی کتاب ایوب، انحرافهایی که از خط اصلی قصه شده، سازگاریهایی که مسلمانان صدر ناگزیر بوده‌اند به داستان ایوب بدهند، شباهت سرنوشت ایوب با انسان معاصر، زبان به کار رفته در متن، و چه و چه را. و تازه این پایان کار نیست.

داستانی که مؤلفان مسلمان تا قرن پنجم و ششم از ماجرای دلخراش ایوب پرداخته‌اند و در تفسیرهای قرآنی منعکس است، با اصل کتاب ایوب که در عهد عتیق آمده اختلافهایی دارد. پیداست که این مؤلفان، در پاسخ به پرسشهایی که ذهن مؤمنان قرآن‌خوان را به خود مشغول می‌داشت، قصه ایوب را بر ساخته‌اند. زمینه کار این مؤلفان آن چیزی است که در قرآن کریم آمده است. در سوره انبیاء، طی دو آیه، ۸۳ و ۸۴ و در سوره صاد طی چهار آیه، ۴۱ تا ۴۴، ابتلای ایوب، فریادخواهی او، بخشایش ایزدی، گردانیدن ابتلای او، باز دادن همچندان گذشته به ایوب از کسان و چیزهایی که از او بازگرفته شده بود، سر جمله‌وار و در نهایت ایجاز آمده است. نکته‌ای که قوس کلی سرگذشت را به دست می‌دهد، بدون وارد شدن به جزئیاتی که فی‌المثل در قصه یوسف بازمی‌یابیم. جزئیات را بعداً ذهن خیالپرور نویسندگان و شنیده‌های از عهد عتیق که دستمایه کار بوده و برخی ضرورت‌های اعتقادی از نو ساخته و پرداخته است. این مؤلفان که قصه بود از ان بانوق و باهنری هم بوده‌اند، خط قوسی سرگذشت را گرفته‌اند و احتمالاً داستانی را که از عهد عتیق دیده یا شنیده بودند، به نحوی با معتقدات اسلامی سازگاری داده‌اند. به این منظور ناگزیر بوده‌اند که تغییراتی را در متن اصلی پیش آورند، در جاهایی به سکوت برگزار کنند، و در جاهایی شاخ و برگ به ماجرا بدهند. طبعاً کشش آنها به صحنه‌های نمایشی که در دو فصل اول و فصل آخر متن عبری منعکس است بیشتر بوده تا فصلهایی که حاوی مجادله‌های لفظی و مناظره‌های فلسفی ایوب با رفقاییش است. این مناظرات، به رغم تخیلات بلند شاعرانه و تصورات دلنشین باریک‌اندیشانه‌اش، علاقه این نویسندگان را بر نمی‌انگیخته است، چونکه به نظرشان با برداشت آنها از ماجرا همخوانی نداشته. نتیجه این شده است که آنچه در تفسیرهای قرآنی دیده می‌شود با فکر اصلی این سرود دلشکن عهد عتیق متفاوت از کار درآید.

در قرون اولیه اسلامی، آشنایی به متون عهد عتیق و، به احتمال

بسیار، ترجمه‌هایی از کتابهای آسمانی، از جمله تورات، به عربی وجود داشته است. می‌دانیم که محمد بن اسحاق، مؤلف کتاب سیره النبی، [متوفی در ۱۵۰ یا ۱۵۱ هجری] روایت داستانهای عتیق و هب بن مثنی را از مغیره بن ابی لیب نامی شنیده است [۲]. طبری اغلب از سُدی و ابن وکیع روایت می‌کند که به اغلب احتمال عالم به روایات یهود بوده‌اند. و این سُدی که مکئی به ابن محمد بود، گرایش شیعی داشت و پدرش اصلاً اصفهانی بود. این ندیم، کتابشناسی از قرن چهارم هجری، در کتاب معروف خود، الفهرست، می‌گوید که کتابی از نسخه‌های قدیمی، گویا از کتابخانه مأمون، به دست آورده بوده که مؤلفش نام و شمارهٔ صحف و کتابهای آسمانی و مبلغانش را ذکر کرده بوده. و «صدر آن کتاب مشتمل بر صحف تورات، انجیل و کتب انبیاء و تلامذه بود» [۳]. این کتابها از زبان عبری و یونانی و صابعه که لغات آن کتابها بود، توسط احمد بن سلام حرف به حرف به عربی ترجمه شده بود. در موضع دیگر، صفحهٔ ۳۹، می‌گوید: «از دانشمندان یهود که در زبان عبری توانا بوده ... فیومی است که نامش سعید و بقولی سعدیاست که قریب العهد به ما بوده و در زمان ما گروهی وی را دیده‌اند. و این کتابها از اوست: کتاب المبادی، کتاب الشرایع، کتاب تفسیر اشعیاء، کتاب تفسیر التوراة ... کتاب تفسیر کتاب ایوب [۳]». بنابراین مؤلفان اسلامی با این متن آشنایی داشته‌اند، هرچند استفادهٔ آنها از این متن شکسته بسته بوده. فراموش نکنیم که کتاب و سنت اسلام را با شریعت مکتوب (تورات - عهد عتیق) و شریعت شفاهی آن (تلمود) در یهود مقایسه می‌کنند. و حتی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که یهودیت دینی است که «آموزه‌های مشترک آن با دین اسلام بیشتر از هر دین دیگری است» [۴].

طبقاً تصویری که امروزه می‌توان از منظومهٔ آلام ایوب داشت با دورانهای گذشته فرق دارد. مسائل بشری، چون درد و مصیبت و گناه و مرگ، سر جای خود مانده‌اند. اما انسان تجربه‌ای دو هزار ساله از این همه را پشت سر گذاشته است. آن تأثیر ماندگاری که درد و رنج یک

انسان بی‌گناه اما صبور در دل خواننده به جا می‌گذارد، آن سوز غم و ماتمی که شکوه سراییهای یک بی‌پناه از همه جا رانده در ما برمی‌انگیزد، و آن نیروی همدردی بی‌مانندی که از پس اعصار سر بر می‌دارد و در ما کارگر می‌افتد همه نشانه آن است که مؤلف یا مؤلفان این داستان‌چامه باستانی می‌دانسته‌اند دارند چه کار می‌کنند. دست مریزاد! مرحبا به فکر و قلمشان. اما خود واقعه، یعنی ابتلا و امتحان ایوب، عرصه‌های تازه‌ای هم پیش روی انسان معاصر می‌گشاید و برداشتهای تازه‌ای را برای او پیش می‌کشد. آثار مهم ادبی غالباً چنین‌اند - یعنی نهاد تأویل‌پذیر دارند. و کتاب ایوب را به عنوان یک اثر ادبی به شما می‌سپارم.

۲

کتاب ایوب را که بخشی است از متن سی و نه پاره عهد عتیق، در «تاریخ تحول درام الهی [۱۵]» مرحله‌ی شاخصی به شمار می‌آورند. در این مرحله، بینش و نگرش انسانهایی که به یهوه اعتقاد داشتند دستخوش تحولی شد که مسیر فکری بشر را عوض کرد و سرنوشت نوین او را رقم زد. تا پیش ازین یهوه خدایی بود غیور، کینه‌ور، بی‌گذشت، متلون، و گاه عهدشکن. او حتی گناه پدران را بر پسران، تا پست سیم و چهارم [۱۶] نیز می‌رساند. در وجود او تیزی بی‌اعتنایی همراه بود، مهربانی با سنگدلی، نیروی آفرینندگی با قدرت ویرانگری. یهوه با یک پادشاه مستبد باستانی فقط از لحاظ میدان عمل تفاوت داشت. اما با اتفاق ایوب جباری بی‌رحمانه او رنگ عوض می‌کند. یک قدم نیز یهوه به سمت انسان شدن برمی‌دارد.

چکیده داستان ایوب چنین است: روزی آفریدگان خداوند به درگاه باری می‌روند. شیطان نیز در میان آنهاست. شیطان در جواب خداوند که می‌پرسد «از کجا می‌آیی؟» می‌گوید که «از گشت و گذار در زمین می‌آید. خداوند سخن را به ایوب می‌کشاند که مردی به پارسایی او در زمین نیست. شیطان با خداوند موافقت ندارد. معتقد است که نعمت و نواخت

خداوند باعث این وفاداری و پارسایی ست. و می گوید کافی ست خداوند این نعمتها را از او بازستاند تا معلوم شود ایوب در راه خدا چقدر ثابت قدم است. خداوند با شیطان بر سر ایوب شرط می بندد. شیطان همه مال و منال او، از گاو و گوسفند و شتران ایوب را به باد فنا می دهد، فرزندان ایوب را زیر آوار هلاک می کند و رعینها را نیز در این میانه بی نصیب نمی گذارد. به رغم این اتفاقات اما همچنان ایوب به خداوند وفادار می ماند. در دیدار دومی که بین خدا و شیطان صورت می گیرد، شیطان همچنان بر سر حرف خود است. می گوید کافی ست ایوب سلامت جسمانی اش را از دست بدهد تا از خدا برگردد. پوست در برابر پوست. خداوند این بار نیز به شیطان رخصت می دهد تا ایوب را بیازماید. اما مغزش می کند که ایوب «به جان اما در زینهار» شیطان است. شیطان تمام بدن ایوب را به «دمنهای ناسور» مبتلا می کند. ایوب بر خاک و خاکستر نشسته با سفالپاره بدنش را می خازد و می خراشد. جز زنش همه او را ترک می کنند. سه دوست ایوب که از مصیبتهای او شنیده اند، از راه دور برای دلجویی و تسلی دهی او به نزدش می آیند. کم کمک تسلی دهی آنها تبدیل به ملامت و سرزنش می شود. کار حتی به تهمت می کشد: لابد ایوب و فرزندانش کارهایی کرده اند که مستوجب خشم الهی بوده اند. ایوب دادرخواهی را به خدا می برد. عاقبت خدا پادرمیانی می کند. ظهور او به مباحثه ها پایان می دهد و کلام خداوند که یک رجزخوانی طولانی ست در باب قدرت بی همتایش، دهان ایوب را لاجرم می بندد. ابتلا از ایوب گردانده می شود. خداوند دوبرابر آنچه پیش از این ایوب داشت به ایوب می دهد.

۳

تاریخ تألیف کتاب ایوب دقیقاً معلوم نیست. فرض بر این است که بین ۶۰۰ تا ۳۰۰ قبل از میلاد مسیح نوشته شده است. معمول محققان غربی این است که تاریخ تألیفات عهد عتیق را عقب تر بکشند تا بتوان این

تألیفات را به پیش از دوران زردشت نسبت داد. با این کار قصد آن است که تألیفات عهد عتیقی را از تأثیرات زردشتی‌گری دور نگهدارند. تا چند دهه پیش در جهان یهود-میخی گمان می‌رفت که کتاب امثال سلیمان کهن‌ترین متن از نوع حکمت آزندگونه است. ناآگاهی نسبت به حقایق جهان کهن میدان را برای تعصبات دینی و قومی باز گذاشته بود. اما از بخت نیک، «یافتن یک پاپیروس و چند تخته چوبی [۱۷] که مال حدود ۱۲ سده پیش از میلاد بود، به تصورات مربوط به «حکمت بیبلی» پایان داد.

منظور از طرح این مسئله آن نیست که اعتبار آثار کهن را متزلزل کنیم، بلکه قصد داریم روشیایی به سامانهایی بیفکنیم تا در پرتو آن حقایق نمایان‌تر باشند. به هر حال، کتاب ایوب، این مرد «پارسا و بسامان» را در یک زمینه بسیار روشنی قرار می‌دهد تا او بتواند موقعیت باریک و دشواری که بناحق در آن افتاده به جهانیان اعلام کند: خدایا چرا این همه درد و بلا بر جان من بی‌گناه نازل می‌کنی؟ چه بسا سؤال ایوب، سؤال بسیاری از مردم باشد - چه در عصر خود او چه در عصر فعلی. حسن یک دین ثنوی، مثل زردشتی، دست‌کم این بود که برای اینگونه پرسشها جواب آماده‌ای در آستین داشت: اهرمن همه خوبیها به اورمزد بازمی‌گشت، و همه بدیها به اهریمن پتیاره. اما در دین وحدانی‌ای مثل دین یهود، هیچ امری از یهوه جدا نبود. او حضور همه جایی دارد. در مزامیر، ۱۳۹، آمده است: «اگر به آسمان صعود کنم تو آنجا هستی. و اگر در هاویه (دوزخ) بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی.» کما اینکه هیچ اتفاقی نیز از چشم تیزبین او نادیده نمی‌ماند [۸]. او منشأ و مبدأ همه رویدادها، همه مصیبتها و رنجها بود. در نتیجه دور نیست اگر ایوب در همه این اتفاقات دلخراشی که برایش افتاده انگشت خدا را بجوید. ایوب وقتی پیش خود حساب می‌کند می‌بیند که هیچ کوتاهی یا گناه یا ناباکی نکرده که سزاوار خشم خداوندی، آن هم با چنین شدت و حدتی و در چنین ابعادی باشد. در تمام مراحل زندگی با ملاحظه رفتار کرده. تا جایی که، در باب ۳۱، اعتراف می‌کند: «و حاشا که درخشش آفتاب

PDF Compressor Free Version

30BOOK

ISBN:978-964-363-333-2



9 789643 633332

۱۷۰۰۰ تومان